

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله ۷۰۰ بود، عرض شد که مرحوم سید (ره) در ذیل این مسأله نوشته است که اگر مکلف انجام بعضی اغسال و عدم تحقق بعض دیگر را نیت کند [؛ مثلاً غسل جنابت، غسل مسّ میّت و غسل حیض بر ذمه اوست و او تحقق غسل جنابت و عدم تحقق غسل مسّ میّت و حیض را نیت کند]، پس در کفایت آن غسلی که نیت کرده است از غسل‌هایی که عدم تحقق آنها را نیت کرده است، اشکال است، بلکه طبق این مبنا که حقیقت اغسال، واحد است، صحت آن غسلی که آن را نیت کرده است نیز خالی از اشکال نیست.

گفته شد که بنا بر فرض مذکور که مثلاً شخص هنگام غسل کردن، غسل جنابت را و عدم غسل مسّ میّت را نیت کرده است، دو سؤال مطرح می‌شود؛ اول، اینکه غسل انجام شده صحیح است یا صحیح نیست؟ و دوم، اینکه بر فرض صحت آن غسلی که مکلف انجام داده است آیا غسلی که انجام شده است، مکلف را از اغسال دیگری که بر ذمه‌اش است، بی‌نیاز می‌کند، هرچند که در هنگام غسل کردن، عدم تحقق آن اغسال را قصد کرده باشد یا او را بی‌نیاز نمی‌کند؟

در پاسخ عرض شد که مرحوم سید (ره) در صحت غسلی که [مثلاً به نیت جنابت] انجام شده است و بی‌نیازی آن از اغسالی که بر ذمه مکلف است [و عدم تحقق آنها را نیت کرده است]، اشکال کرده است زیرا اگر مبنا این باشد که اغسال، طبیعت واحد دارند، هرگاه فردی از افراد آن طبیعت (غسل) در خارج محقق شود، همه افراد آن طبیعت از ذمه مکلف برداشته خواهند شد بنابراین، آن غسلی که انجام می‌دهد از همه اغسالی که بر ذمه‌اش باشند، مجزی خواهد بود زیرا تحقق یک فرد از طبیعت در خارج، به منزله تحقق همه افراد آن طبیعت است پس، انفکاک بین فرد و طبیعت نیست زیرا هر وقت فرد محقق شود، طبیعت نیز محقق می‌شود و لذا همه اغسال، با غسل واحد مرتفع می‌شوند و با توجه به این مطلب، در فرض مذکور، حکم به صحت غسلی که مکلف انجام داده است که تحقق بعضی غسل‌ها و عدم تحقق بعضی دیگر را نیت کرده است، اشکال دارد زیرا وقتی پذیرفته شد که اغسال، طبیعت واحد دارند، انجام غسل واحد، از همه اغسالی که بر ذمه مکلف باشند، مجزی خواهد بود و لذا اگر مکلف هنگامی که غسل می‌کند، تحقق بعضی از غسل‌هایی را که بر ذمه‌اش است نیت کند و عدم تحقق بعض دیگر را نیت کند قاعده مذکور [که اغسال طبیعت واحد دارند] را زیر سؤال می‌برد چون این گونه نیت کردن از طرف مکلف به معنای این است که فرد، محقق شده است ولی طبیعت، محقق نشده است و این خلاف قاعده است لذا صحت خود آن فرد از افراد طبیعت غسل که انجام شده است نیز زیر سؤال می‌رود چون قاعده این است که فرد، مصداق برای کلّ طبیعت است، لکن در فرض مذکور، فرد، مصداق برای کلّ طبیعت نیست و لذا وقتی فرد، مصداق برای کلّ طبیعت نباشد، فردیت خودش نیز زیر سؤال خواهد رفت چون فرد از طبیعت، منفک نمی‌شود، لکن در فرض مذکور که شخص، تحقق بعضی از غسل‌ها و عدم تحقق بعضی دیگر را نیت می‌کند، فرد را از طبیعت منفک کرده است در نتیجه، آن غسلی

که انجام شده است نیز محل اشکال خواهد بود بنابراین، شخص باید غسل دیگری به رجاء مطلوبیت و قصد ما فی الذمه انجام بدهد تا به وسیله آن غسل، به امتثال قطع پیدا کند زیرا یا غسل اولی که مکلف انجام داده است، صحیح واقع شده است در نتیجه، همه اغسالی که بر ذمه اش بوده اند مرتفع شده اند یا اینکه آن غسل اولی که انجام داده بود، باطل بوده است، پس غسل دوم که انجام داده است، صحیح واقع شده است و به وسیله آن، همه اغسالی که بر ذمه اش بوده اند، مرتفع می شوند.

نظر مرحوم آیت الله خویی (ره)

ظاهر این است که آن غسلی که شخص انجام داده است (غسل اول)، او را از سایر اغسال بی نیاز می کند بدون اینکه بین قول به وحدت طبایع اغسال و تعدد و تغایر طبایع اغسال فرقی باشد زیرا اگر پذیرفته شود که طبایع اغسال، طبیعت واحده اند [کما اینکه نظر مرحوم سید (ره) است]، اشکالی در صحت غسلی که مکلف انجام داده است، نیست چون آن غسل را با قصد قربت انجام داده است؛ به این نحو که یا آن غسل را به قصد فی نفسه انجام داده است زیرا غسلی که انجام داده است، فی نفسه محبوب و ممدوح مولاست، کما اینکه غسل جنابت این گونه است [، یعنی محبوبیت نفسی دارد] یا غسل را به داعی اینکه در سلسله وجود واجب نفسی است [، یعنی به خاطر اینکه جنبه مقدمیت برای واجب نفسی، مثل نماز دارد]، انجام می دهد و با انجام آن طبیعت (غسل) به قصد قربت، موجبی برای بطلان غسلی که انجام شده است، وجود ندارد، پس بر فرض که طبایع اغسال، طبیعت واحده باشند، مشکلی در صحت غسلی که انجام شده است، نیست.

اما در رابطه با اینکه این غسل از بقیه اغسال نیز مجزی است یا مجزی نیست، عرض می شود که این اجزاء و عدم اجزاء، دو حکم شرعی می باشند که از اختیار مکلف خارج اند، پس قصد کردن مکلف، تحقق یک غسل را [، مثل غسل جنابت] و عدم تحقق غسل دیگر یا عدم قصد غسل دیگر [، مثل غسل مس میت] یکسان است و چون شارع به بی نیازی غسل واحد از جمیع اغسال [که بر ذمه مکلف است] حکم کرده است، چاره ای جز إسقاط اغسال دیگر با انجام غسل واحد نیست، چه مکلف تحقق اغسال دیگر را قصد کرده باشد و چه عدم تحقق آنها را قصد کرده باشد.

البته اگر مکلف هنگام غسل کردن، نیت کند غسلی را انجام می دهد که شرعاً نسبت به غسلی که تحقق آن را قصد کرده، رافع می باشد و نسبت به بقیه اغسالی که عدم تحقق آنها را قصد کرده است، غیر رافع می باشد [، یعنی اگر مکلف رافع بودن غسل نسبت به آنچه قصد کرده است و عدم رافع بودن نسبت به آنچه عدم تحقق آنها را قصد کرده است را به شارع نسبت بدهد] در این صورت، چنین قصدی تشریع و حرام است چون مکلف، غیر رافعیّت غسل انجام شده از سایر اغسال را به شارع مقدس نسبت می دهد، در حالی که در شریعت، غسل واحد، غیر رافع از بقیه اغسال قرار داده نشده است [، بلکه شارع گفته است که غسل واحد از سایر اغسال نیز مجزی است] پس در این صورت، به بطلان غسل انجام شده حکم می شود و بطلان آن ناشی از تشریع حرام است، ولی این امر خارج از محل کلام است زیرا بحث در موردی است که مکلف غسل واحدی را به قصد اینکه رافع سایر اغسال نباشد بجا می آورد و اما اسناد عدم رافعیّت آن غسل به شارع، امری دیگر است^۱.

بحث جلسه آینده: صحت یا عدم صحت غسل انجام شده، بنا بر این قول که به حسب حکم شارع، اغسال، طبایع مختلفه می باشند، ان شاء الله، در جلسه آینده بررسی خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمین»

۱. سید ابوالقاسم، موسوی خویی، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۷، ص ۶۳.